



گزارش از حسینیه حضرت رقيه (س) که دو سال از ساختش می گذرد

حسینیة ای که خانه دوم بچه هاست

سوگل موسوی - حسینیه حضرت رقيه (س) دو سال بیشتر از ساختش نمی گذرد، ظاهرش کمی با حسینیه هایی که تا به حال دیده ایم، متفاوت است. ما هم با دیدن منزلی مسکونی که واحد همکف را به حسینیه و کارهای فرهنگی اختصاص داده، کمی متعجب شدیم. مگر می شود در منزل شخصی هم حسینیه ای فعالیت داشته باشد. حسن زاده که بانی ساخت و تأسیس این حسینیه در خیابان چراغچی ۲۷ است، می گوید: «یک طبقه از خانه ام را برای امور فرهنگی و مسجد وقف کرده بودم اما اداره اوقاف گفتند نمی شود یک طبقه را وقف کنید و باید کل زمین وقف شود. به همین خاطر تصمیم گرفتم حسینیه احداث کنم تا به مقصودم که فعالیت های فرهنگی در سطح محله است، برسم.» حال دو سال از آن زمان می گذرد و فعالیت های حسینیه حضرت رقيه (س) تا اسماعیل آباد هم گسترش پیدا کرده است.



دیدم خطر بیخ گوش جوانان ماست و برخی از آن ها توسط این جاذبه فعالیت می کردند، منحرف شده اند. آنجا بود که عزمم را جزم کردم که فعالیت هایم را به این قسمت شهر معطوف کنم. چندین سال در مساجد اسماعیل آباد و شهرک قدس فعالیت کردم اما هیئت امنای جوان ستیز بودند. هنگامی که بچه ها و نوجوانان به مسجد می آمدند، آن ها را دعوا می کردند یا از فعالیت منع شان می کردند. با شادی در مسجد مخالف بودند، به همین دلیل به این فکر کردم که مکانی تأسیس کنم که بتوانم فعالیت هایم را به دور از هر گونه دغدغه ای اجرا کنم. پدرم ارادت بسیاری به اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) داشت. به ذهنم رسید منزل را به این قسمت از شهر منتقل کنم و یک طبقه آن را وقف کنم. اما اداره اوقاف قبول نکرد یک طبقه را وقف کنم، به همین خاطر حسینیه را تأسیس کردم.

به خواست پدرم

حدود هشت سال پیش بود که حضرت آقا در بیاناتشان به حاشیه شهر چند شهر از جمله مشهد اشاره کردند و گفتند که باید فعالان فرهنگی، این قسمت از شهر را در یابند. هنگامی که این صحبت را شنیدم به این منطقه آمدم و اوضاع را بررسی کردم و دیدم خطر بیخ گوش جوانان ماست و برخی از آن ها توسط افرادی که در اینجا فعالیت می کردند، منحرف شده اند. آنجا بود که عزمم را جزم کردم که فعالیت هایم را به این قسمت شهر معطوف کنم. چندین سال در مساجد اسماعیل آباد و شهرک قدس فعالیت کردم اما هیئت امنای جوان ستیز بودند. هنگامی که بچه ها و نوجوانان به مسجد می آمدند، آن ها را دعوا می کردند یا از فعالیت منع شان می کردند. با شادی در مسجد مخالف بودند، به همین دلیل به این فکر کردم که مکانی تأسیس کنم که بتوانم فعالیت هایم را به دور از هر گونه دغدغه ای اجرا کنم. پدرم ارادت بسیاری به اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) داشت. به ذهنم رسید منزل را به این قسمت از شهر منتقل کنم و یک طبقه آن را وقف کنم. اما اداره اوقاف قبول نکرد یک طبقه را وقف کنم، به همین خاطر حسینیه را تأسیس کردم.

حسینیة امام رضا (ع)

سال ۹۱ کار ساخت و ساز را شروع کردیم و سال ۹۴ به اتمام رسید. کارهای حسینیه در عرض سه ماه به اتمام رسید و هم زمان با عاشورا ۹۴ فعالیت حسینیه هم آغاز شد. اینکه چرا تغییر نام دادیم هم جالب است. اسمای متبرکه بسیاری مد نظر بود و در نظر داشتیم آن را به برکت امام رضا (ع) که ولی نعمت

ما هستند نام گذاری کنیم. در خلال همین نام گذاری بود که با توسل به حضرت رقيه (س) بیماری ام بهبود یافت و چندین توسل دیگر که به این بانوی بزرگوار کردم و حاجتم روا شد و ارادتم به این کوچک بانوی بزرگ سبب شد تا آن را به نام حضرت رقيه (س) نام گذاری کنم.

فعالیت هایم معطوف به حسینیه شد

همان طور که اشاره کردم، چندین سال در مساجد دیگر به عنوان فعال فرهنگی کلاس های متعددی در زمینه روحانی، روان خوانی و تجوید قرآن، مهارت های زندگی، آموزش های هنری و ایجاد اشتغال برای بانوان، برگزاری اردوهای جهادی، برگزاری کلاس های تقویتی در پایه های مختلف تحصیلی، برگزاری اردوهای تفریحی، زیارت از امکان مذهبی و... برگزار می کردم. با شروع به کار این حسینیه تمام آن فعالیت ها را به این مکان منتقل کردم. این فعالیت ها به دلیل اینکه هیئت امنای آن آمدن کودکان و نوجوانان مخالفت می کردند، ضعیف تر بود. آنجا هر چه تلاش می کردم تا قشر جوان به مسجد انس بگیرند، آن ها با رفتار و حرکات شان سبب می شدند تا جوانان کمتر به مسجد رفت و آمد داشته باشند. با شروع کار حسینیه تمام این فعالیت ها را معطوف اینجا کردم.

رفت و آمد بچه ها

هنگامی که حسینیه کارش را شروع کرد، تنها از طریق زبانی به اهالی محل اطلاع دادم. شکر خدا فعالیت های ما را حمایت کردند و به اینجا آمدند. به جوانان مذهبی مساجد دیگری که در ارتباط بودم هم اطلاع دادم از